

## بررسی چندگانگی معنایی پروتوتایپها در دیوان اشعار حافظ

رؤیا احمد امرجی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دی ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۰، صص ۱۴۰-۱۱۹

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.15.6665

### نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** شرایط سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی عصر حیات هر شاعری، سبب‌ساز خلق تیپها و شخصیت‌های گوناگون در اشعار اوست. شعر حافظ نیز، از این قاعده مستثنی نیست؛ چراکه آس و اساس اشعار اغلب شاعران بر روی شخصیت‌های خصوصی بنا شده است. حافظ با طرح شخصیت‌های خاص و عملکردهایشان و بکارگیری صنعت ایهام یا همان چندگانگی معنایی، دوپهلوی و چندمنظوره سخن می‌گوید و این مسأله مبین عمق جهان‌بینی و اندیشه اوست.

**روش مطالعه:** مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی چندگانگی معنایی تیپها و شخصیتها در دیوان حافظ پرداخته است.

**یافته‌ها:** یافته‌های مقاله حاضر نشان می‌دهد که از میان پروتوتایپهای مطرح حافظ، برخی از قداست برخوردارند و در پاره‌ای موارد الگوی او هستند، برخی ممدوح او هستند و برخی مورد انتقاد واقع شده‌اند. این تیپها و شخصیتها، خواه مقبول خواه منفور، گاه در معنای اصلی و واقعی خود بکار رفته‌اند و گاه در غیر معنای اصلی و حتی در موارد بسیاری از چندگانگی معنایی برخوردارند.

**نتیجه‌گیری:** بیشتر شخصیت‌های مطرح دیوان حافظ نظیر پیامبران و امامان معصوم -علیهم‌السلام- شخصیت‌های عرفانی، پادشاهان و وزراء، قهرمانان و اسطوره‌ها، شخصیت‌های رمانتیک، شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی، چهارپایان، پرندگان، درختان و گلها تیپهای واقعی و رئال هستند. شاید علت اصلی طرح برخی شخصیتها در اشعار حافظ، شرایط خاص سیاسی و اجتماعی عصر زندگی او و تعاملاتی بوده که با آن افراد خاص داشته و ممکن است خلق برخی شخصیتها ناشی از همزادپنداری با آنان بوده باشد. از میان این شخصیتها برخی تیپها ممدوح وی هستند، برخی در زندگی او تأثیرگذارند، برخی الگوی او هستند، و بعضی مورد انتقاد او واقع شده‌اند.

تاریخ دریافت: ۰۱ آذر ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۰۳ دی ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۱۷ دی ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۰۲ اسفند ۱۴۰۰

#### کلمات کلیدی:

حافظ، پروتوتایپ، ایهام، دیوان اشعار.

\* نویسنده مسئول:

royaamraji@iausr.ac.ir

☎ (۰۲۱ ۹۸۸۰۰۰۰)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigating the semantic multiplicity of prototypes in Hafez's poetry collection

R. Ahmad Amraji

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yadegar-e- Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 22 November 2021  
 Reviewed: 24 December 2021  
 Revised: 07 January 2022  
 Accepted: 21 February 2022

KEYWORDS

Hafez, prototype, ambiguity, poetry collection.

\*Corresponding Author

✉ [royaamraji@iausr.ac.ir](mailto:royaamraji@iausr.ac.ir)

☎ (+98 )

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** The political, social, intellectual and cultural conditions of each poet's life cause the creation of different types and personalities in his poems. Hafez's poetry is no exception to this rule; Because most poets' poems are based on special characters and characters. Hafez speaks with the design of special characters and their functions and the use of the industry of ambiguity or the same multiplicity of meanings, ambiguous and multi-purpose, and this issue shows the depth of his worldview and thought.

**METHODOLOGY:** The present article has a descriptive-analytical method and using library resources to study the semantic multiplicity of types and characters in Hafez's divan.

**FINDINGS:** The findings of the present article show that among the prototypes proposed by Hafez, some are sacred and in some cases are his role models, some are praised by him and some have been criticized. These types and characters, whether accepted or hated, are sometimes used in their original and real meanings, and sometimes in non-original meanings, and in many cases even have a multiplicity of meanings.

**CONCLUSION:** Most of the prominent figures of Hafez's court such as prophets and infallible Imams (as) - mystical figures, kings and ministers, heroes and myths, romantic figures, political and social figures, cattle, birds, trees and flowers are real types. Perhaps the main reason for the design of some characters in Hafez's poems is the special political and social conditions of his life and the interactions he had with those special people, and the creation of some characters may have been due to their identification with them. Some of these characters are praised by him, some are influential in his life, some are his role models, some have been criticized.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6665](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6665)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 26	 26	 0

## مقدمه

شخصیت یا پروتوتایپ، از عناصر مهم تشکیل‌دهنده آثار ادبی است؛ بگونه‌ای که منشأ بسیاری از موضوعات و مسائل و ماجراها در متون نظم و نثر، همین شخصیت است. بدیهی است که گوینده یا نویسنده برای خلق شخصیت یا شخصیت‌های مدّ نظرش کاملاً مخیر است و آنگونه که خود بخواهد آنها را مطرح میسازد. نظریه پروتوتایپ، که از شناخته‌شده‌ترین و مطرح‌ترین نظریه‌های روانشناسی و فلسفه ذهن است، نخستین بار توسط النور راش، روانشناس برجسته آمریکایی، مطرح شد. او طبقه‌بندی را موضوع اصلی علوم شناختی میدانست.

اما موضوع پروتوتایپ در ادبیات داستانی ایران، نخستین بار توسط شیرین دقیقیان و در کتاب «منشأ شخصیت در ادبیات داستانی» مطرح گردید. او ابزار اصلی تفکر خلاقانه را تخیل دانسته و در اینباره گفته است: «همین تخیل است که در برخورد کشاکشی با پروتوتایپ، نقش اصلی را بازی میکند و آن را به موجودی مستقل تغییر میدهد. گاه نویسنده، پروتوتایپ خود را در محور زمان و مکان جابجا میکند و کاراکتر را در زمان و مکان دیگری جا میدهد. بعضی اوقات نیز نویسنده خصلتهای ظاهری پروتوتایپی را انتزاع میکند و در آفرینش کاراکتر خود از آن کمک میگیرد. انتزاع و تجرید خلاق، که یکی از ابزارهای مهم چهره‌پردازی ذهن نویسنده است، تپیی را که در همه خطوط با تپ پیشین آن یکسان نیست بکار میبرد. هزاران حالت بدیع و پیش‌بینی‌نشده وجود دارد که به تنوع بیکران ذهن انسان برمیگردد» (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۶۳). روند تبدیل پروتوتایپها به شخصیتها و تپیهای گوناگون، بسیار پیچیده و متنوع است. پروتوتایپها انواع گوناگون دارند: گاه همان شخصیت یا شخصیت‌هایی هستند که گوینده یا نویسنده با او برخورد و تماس مداوم دارد؛ گاه ممکن است شخصیت‌های تأثیرگذار در زندگی او باشند و یا شخصیت‌هایی باشند که با او همزادپنداری میکند؛ مانند شخصیت‌های دینی و مذهبی، شخصیت‌های هنری، شخصیت‌های علمی و ادبی، شخصیت‌های اسطوره‌ای و عرفانی و تاریخی و غیره؛ و گاه حتی ممکن است شخصیتها از محدوده موجودات انسانی یا فراتر گذارند. در اشعار حافظ به انواع و اقسام پروتوتایپها از ساده‌ترین آنها گرفته تا پیچیده‌ترینشان برمیخوریم و از آنجاکه شناخت این شخصیتها و تپیها از عوامل بسیار مهم درک اشعار اوست، از طرح آنها در اشعارش سود فراوان برده است. شناخت پروتوتایپهای اشعار حافظ این امکان را میدهد که هرکدام از آنها را در گروههای مختلف، به‌طور جداگانه دسته‌بندی کنیم و به تحلیل شخصیتها نزدیکتر شویم.

یکی از شگردهای حافظ در فن شاعری، خلق و ابداع تپیهایی است که چندگانگی معنایی (ایهام) دارند: «این هنر بزرگ حافظ است که حرفهای دوپهلوی و به اصطلاح یک تیر و دو نشان میزند» (ریاحی، ۱۳۹۵: ۲۸). این شخصیتها شامل فرمانروایان، رجال سیاسی، پیامبران، عارفان، برخی انسانهای خاص، حتی بعضی پرنندگان و گلها و گیاهان نیز میشود که تا پیش از حافظ کمتر سابقه داشته است.

## سابقه پژوهش

در خصوص شخصیت‌های اشعار حافظ، پژوهشهای درخور توجهی انجام شده است: مقاله «داستان پیامبران در دیوان حافظ» از اردشیر بهمنی که صرفاً به پژوهش در مورد حضرت آدم (ع) پرداخته است. مقاله «تحلیل و بررسی اهداف حافظ در بکارگیری از عوامل طبیعی در شعر» از طیبه فدوی که به بیان عوامل طبیعی از طریق تشبیه و استعاره از منظر حافظ پرداخته تا به مدد آن به موضوعات عرفانی، تربیتی، اجتماعی و فلسفی دست یابد. مقاله «تحلیل محتوای اشعار حافظ و سعدی بر اساس تپ شخصیتی (درون‌گرایی-برون‌گرایی)» از مالک میرهاشمی، که نگارنده آن معتقد است با توجه به پیامدار بودن اشعار حافظ که در واقع بازتابی از ویژگیهای شخصی، علائق، نگرشها و

انگیزه‌های خودآگاه و ناخودآگاه خالق آن منابع است، میتوان ویژگی‌های شخصیتی و روانشناسی اشعار و همچنین شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی زمان خالق آثار را شناسایی کرد. مقاله «لایه‌های پنهان ضمیر حافظ (تحلیلی تازه از شعر حافظ براساس صور ازلی ضمیر ناخودآگاه جمعی)» از مریم روضاتیان و افسانه غفوری که نگارندگان معتقدند چون شعر حافظ، عالمی رؤیگونه دارد که در آن صور ازلی در قالب شخصیت‌های گوناگون نمود پیدا کرده‌اند، با طرح صور ازلی ضمیر ناخودآگاه جمعی در روانشناسی تحلیلی، تأویل دگرگونه‌ای میتوان از شعر حافظ کرد. اما نگارنده مقاله حاضر، با کتاب و مقاله‌ای که بطور مستقیم و آشکار پروتوتایپ‌های اشعار حافظ را بررسی کرده باشد، برخورد نکرده است. بنابراین ضرورت دارد که بطور اختصاصی و مجزا به چندگانگی معنایی تیپها و شخصیت‌های مطرح‌شده در دیوان حافظ پرداخته شود. مقاله حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بر اساس تطبیق یافته‌ها، به انجام رسیده است. منبع اصلی برای انتخاب اشعار حافظ، دیوان حافظ قدسی است؛ برای جلوگیری از اطاله کلام، از نگارش ابیات صرف‌نظر شده و فقط شماره ابیات به همراه صفحات آنها در جداول مربوط ثبت گردیده است. هدف پژوهش حاضر این است که به انواع مختلف پروتوتایپ‌های اشعار حافظ بپردازد؛ زیرا درک و کشف انواع پروتوتایپ‌های یک اثر، منجر به شناخت و فهم بهتر اثر و تحلیل و بررسی دقیقتر آن خواهد شد.

این مقاله بر این است که روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این سؤالات پاسخ دهد که: آیا خلق شخصیت یا شخصیت‌های مطرح در اشعار حافظ، صرفاً از قوه تخیل او نشئت میگیرد؟ ۲- روند ایجاد و خلق شخصیت‌ها در اشعار او به چه علل یا عوامل بستگی دارد؟ ۳- انگیزه و هدف اصلی شاعر از خلق چنین پروتوتایپ‌هایی چه بوده است و با خلق چنین تیپ‌هایی، قصد بیان چه مطلب یا مطالبی را داشته است؟

## بحث و بررسی

### پروتوتایپ‌ها در اشعار حافظ

شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی عصری که بزرگان ادب پارسی در آن میزیسته‌اند، بی‌شک موجب خلق پروتوتایپ‌های گوناگونی در آثارشان شده است. تمامی تیپها و شخصیت‌های مطرح در شعر حافظ، رفتارها و کردارهای اجتماعی و روانی بخصوصی دارند که این رفتارها و کردارها نشئت‌گرفته از طرز تلقی و تفکر آنان به زندگی، اجتماع و محیط زندگیشان است. به تعبیر ساده‌تر، محیط اجتماعی و فرهنگی در خلق شخصیت‌ها بسیار مؤثر است؛ بنابراین عده‌ای از شخصیت‌های شعر حافظ، شخصیت‌های سیاسیند؛ برخی دیگر، مذهبی و عرفانی و عده‌ای دیگر، فرهنگی و ادبی. بنمایه‌های اصلی و ماندگار و فاخر آثار ادبی، جدّ و جهد بی‌وقفه و نتیجه‌بخش درک رموزهای زندگی خصوصی و اجتماعی آدمی و ارتباط ناگسستنی این دو بعد زندگی بشر با یکدیگر است. از آنجاکه هرگز بدون کاراکتر نوشته نشده و خلق چنین اثری نیز امکان‌پذیر نیست، شخصیت‌ها را باید پایه‌هایی دانست که ساختمان یک اثر روی آنها بنا میشود. هر قدر این پایه‌ها با استحکامتر باشند، بنا محکمتر و پایدارتر و از گزند زمانه مصونتر خواهند ماند.

یکی از شگردهای حافظ در فنّ شاعری، خلق و ابداع تیپ‌هایی است که چندگانگی معنایی (ابهام) دارند. این شخصیت‌ها شامل فرمانروایان، رجال سیاسی، پیامبران، عارفان، برخی انسانهای خاص، حتی بعضی پرندگان و گلها و گیاهان نیز میشود که تا پیش از حافظ کمتر سابقه داشته است. درک و شناسایی پروتوتایپ‌ها در آثار بزرگان ادب پارسی، راهنمای شناخت و رمز ورود به دریچه تفکر شاعران و نویسندگان بشمار میرود. «شناخت پروتوتایپ‌های

آثار مشهور ادبی مانند پلی است که منتقد یا خواننده را به پشت مرزهای بسته ذهن نویسنده در فرآیند آفرینش ادبی رهنمون می‌گردد. از سوی دیگر، پروتوتایپها اغلب دارای پیچیدگیهای ظریفی هستند که تنوع و گوناگونی آنها را موجب میشوند. گاه شناخت همین پیچیدگیها، کلید درک یک اثر ادبی بشمار می‌رود» (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۹-۱۰).

برخی از شخصیت‌های مطرح در دیوان حافظ، اسطوره‌اند. رواج اسطوره‌ها، قصه‌ها و شخصیت‌های اساطیری فقط مختص حافظ نیست، بلکه ذکر اسطوره‌ها در ادب پارسی، سابقه‌ای دیرین دارد. «شاعران با استفاده از مفاهیم اشارات و اسرار و رموز و افراد و اشخاص آنها برای بیان معانی و مضامین و اغراض و مقاصد گوناگون سود برده‌اند. کهنترین صورت این کوشش در شعر فارسی به نخستین اشعار بازمانده در زبان و ادبیات فارسی برمیگردد و یکی از گسترده‌ترین موارد کاربرد آن، شعر ستایشی است که تا دوره حافظ و پس از او تا روزگار ما نیز، در اینگونه اشعار دیده می‌شود» (سرور مولایی، ۱۳۶۸، ص ۸۰). بیان شخصیت‌های اسطوره‌ای در شعر، نه تنها شور و شوق ملی در خواننده ایجاد میکند، میتواند روایتگر زندگی شخصی و اجتماعی شاعر هم باشد. تسلط و اشراف حافظ در کاربرد قصه‌های کهن و اساطیری و نوع دیدگاه و اندیشه منحصر بفرد او در این خصوص، مبین توانمندی او در حیطه شعر و شاعری است. «بسبب عمق جهان‌بینی و اندیشه، هیچ نکته و دقیقه‌ای در اساطیر و قصص از نظر تیزبین او نهفته نمانده است» (همان: ص یازده).

گاهی شخصیت‌های مطرح در دیوان حافظ، شخصیت‌هایی رئال و واقعی هستند که شاید حتی شاعر با آنها برخورد دائمی و تعاملاتی داشته است. «در شخصیتها و تیپهای رئالیستی، عناصر ویژه و فراگیر در پیوند آلی با یکدیگر بنمایش گذاشته میشوند. نویسنده درعینحال که کاراکتر خود را از دیگر افراد جامعه تفکیک میکند، بسیاری از ویژگیهای آن را نیز عمومیت میبخشد. در واقع همراهی دو ابزار تفکیک -انتزاع و تعمیم- این سبک را قادر به آفرینش تیپهای زنده، گیرا و ماندگار در تاریخ ادبیات کرده است» (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۲۹).

سرور مولایی قصه‌ها، داستانها و قهرمانان و اشخاص دیوان حافظ را به پنج دسته الف- پیامبران، ب- پادشاهان و پهلوانان، ج- عارفان، د- عاشقان، ه- داستانهای دیگران، تقسیم میکند (سرور مولایی، ۱۳۶۸، ص سیزده). اما، به زعم نگارنده، طبق نظریه پروتوتایپ، تقسیم‌بندی دیگری هم میتوان درباره داستانها و قهرمانان و اشخاص دیوان حافظ ترتیب داد: ۱- پیامبران و جباران عصر پیامبران، ۲- امامان معصوم (علیهم‌السلام)، ۳- فرشتگان، ۴- بزرگان دولتی و دیوانی، ۵- اسطوره‌ها و قهرمانان، ۶- عارفان معروف، ۷- شخصیت‌های رمانتیک، ۸- شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی، ۹- چهارپایان، ۱۰- پرندگان، ۱۱- گلها و گیاهان.

**پیامبران:** در دیوان حافظ، با شخصیتها و پروتوتایپهای مذهبی و دینی نظیر حضرات آدم (ع)، ابراهیم (ع)، نوح نبی، یعقوب نبی (ع)، یوسف پیامبر، موسی (ع)، شعیب نبی، سلیمان نبی، عیسی مسیح، داوود نبی، خضر نبی -علیهم‌السلام- و حضرت محمد مصطفی (ص) و نیز پیامبران باستانی همچون مانی و اشو زرتشت مواجهیم. محمد سرور مولایی، نظر حافظ را درباره سبب آفرینش آدم، قابلیت و استعداد او در پذیرش «عشق» میداند (سرور مولایی، ۱۳۶۸: ۵).

جدول شماره ۱

پروتوتایپ	انواع	اشعار
پیامبران	آدم و حوا	(قدسی، ۱۳۸۷: غ ۱/۱۸۰ ب ۲)، (غ ۱/۹ ب ۶)، (غ ۳/۳۱ ب ۴)، (غ ۱/۱۷۴ ب ۱)، (غ ۲/۲۶۲ ب ۱۰)، (غ ۱/۴۱۵ ب ۲)، (غ ۳/۴۲۹ ب ۳) و (غ ۱/۵۲۶ ب ۱۴)
	ابراهیم خلیل‌الله (ع)	(غ ۴/۳۷۳ ب ۴)
	یعقوب (پیر کنعان)	(غ ۱/۲۴۱ ب ۸)، (غ ۱/۱۰۴ ب ۱)، (غ ۵/۵۹۳ ب ۵)
	موسی (ع)	(غ ۷/۴۰۶ ب ۷)، (غ ۳/۲۴۳ ب ۳)
	شعیب (ع)	(غ ۶/۲۴۲ ب ۶)
	یوسف (ع)	(غ ۲/۶۸ ب ۲)، (غ ۵/۱۴۰ ب ۵)، (غ ۵/۱۸۱ ب ۵)، (غ ۲/۲۷۸ ب ۲)، (غ ۱/۳۰۵ ب ۱)، (غ ۹/۵۲۹ ب ۹)، (غ ۷/۵۶۱ ب ۷)
	نوح (ع)	(غ ۹/۳۰۵ ب ۹)، (غ ۵/۱۵۶ ب ۵)
	سلیمان (ع)	(غ ۴/۳۴۱ ب ۴)، (غ ۵/۳۳ ب ۵)، (غ ۷/۱۰۴ ب ۷)
	عیسی (ع)	با ترکیبهای «عیسی‌دم» در (غ ۴/۱۷۹ ب ۴) (غ ۵/۱۰۳ ب ۵) و (غ ۸/۲۲۸ ب ۸)، (غ ۴/۲۳۸ ب ۴) «روان‌بخشی عیسی» (غ ۶/۱۰۶ ب ۶)، «دم عیسی» (غ ۳/۳۱ ب ۳)، «عیسی صبا» (غ ۱۰/۸۵ ب ۱۰)، «انفاس عیسی» (غ ۲/۵۳۰ ب ۲)، «مسیح‌دم» (غ ۴/۱۶۸ ب ۴)، «مسیح‌انفاس» (غ ۱/۲۴۳ ب ۱)
	داوود (ع)	(غ ۲/۲۵۴ ب ۲)، (غ ۹/۲۳۸ ب ۹)
	خضر (ع)	(غ ۷/۵۷۲ ب ۷)، (غ ۵/۱۲۶ ب ۵)، (غ ۲/۲۷۲ ب ۲)، (غ ۳/۳۲۷ ب ۳)، (غ ۱/۳۷۴ ب ۱)، (غ ۴/۵۶۲ ب ۴)
	حضرت محمد مصطفی (ص)	(غ ۴/۶۳ ب ۴)
	مانی	(غ ۷/۴۵۵ ب ۷)
	زردشت	(غ ۳/۲۳۸ ب ۳)، (ساقی‌نامه/ ب ۲۷)

جباران و گمراهان عصر پیامبران: «نمرود» از شخصیت‌های عهد عتیق است. بنا به روایت تورات، نمرود از شاهان بابل و از فرزندان کوش پسر حام پسر نوح بود. در قرآن، نام نمرود نیامده است؛ اما از محاجه ابراهیم با پادشاهی سخن بمیان رفته است.<sup>۱</sup>

در قرآن کریم از شخصیت «سامری» و گمراه شدن بنی اسرائیل به دست او سه مرتبه بصورت صریح<sup>۲</sup> و چندین مرتبه بصورت غیرصریح سخن رفته است. «قارون» معاصر موسی پیامبر و از افراد بنی اسرائیل و به قولی پسرعموی وی بود. قارون فردی جاه‌طلب، بخیل، حسود و بسیار ثروتمند بود، آنچنان‌که چند تن زورمند زیر بار کلیدهای مخازن و دفاتر حساب اموالش زانو میزدند. هرچند او را اندرز میدادند که به مال دنیا مغرور نشود، و آن را در راه

<sup>۱</sup>. آیه ۲۵۸ سوره بقره

<sup>۲</sup>. آیات ۸۷، ۸۵ و ۹۵ سوره طه

خیر مردم صرف کند، نمیپذیرفت. آنگاه موسی درباره او نفرین کرد و خدا زلزله‌ای سخت پدید آورد و زمین قارون، خانه و گنجش را به کام خود کشید.

جدول شماره ۲

پروتوتایپ	انواع	اشعار
جباران	نمرود	(غ ۲۳۸ / ب ۳)
	سامری	(غ ۲۵۸ / ب ۵)، (غ ۲۰۵ / ب ۷)، (غ ۴۷۹ / ب ۱)
	قارون	(غ ۳ / ب ۱۳)، (غ ۴۱۴ / ب ۵)، (غ ۵۲۷ / ب ۱)

امامان معصوم (علیهم‌السلام): حافظ، از اولین و آخرین امام سخن گفته است.

جدول شماره ۳

پروتوتایپ	انواع	اشعار	توضیحات
امامان معصوم (علیهم‌السلام)	حضرت علی (ع)	(غ ۳۶۳ / ب ۱۰)، (رباعی ۳۵، ص ۷۱۶)	مقصود حافظ از "شحنه-النجف"، غ ۳۶۳، حضرت امام علی (ع) است.
	حضرت مهدی (ع)	(غ ۱۴۰ / ب ۶)	

فرشتگان: «روح‌القدس»، «هاروت» و «ماروت» فرشتگانی هستند که نامشان در دیوان حافظ آمده است.

جدول شماره ۴

پروتوتایپ	انواع	اشعار
فرشتگان	روح‌القدس (جبرئیل)	(غ ۲۰۵ / ب ۱۰)، (غ ۳۷۳ / ب ۱۰)
	هاروت	(غ ۴۹ / ب ۳)
	ماروت	(غ ۱۵ / ب ۳)

### بزرگان دولتی و دیوانی

پادشاهان و وزرا از جمله تیپهایی هستند که حضورشان در دیوان حافظ بسیار پررنگ است. برخی از آنان پادشاهان اسطوره‌ای ایران و برخی دیگر، معاصران اویند که وی از حمایت‌های آنان برخوردار بوده و بسیار به آنان ارادت داشته است.

پادشاهان

جدول شماره ۵

پروتونایب	انواع	اشعار
پادشاهان	شاه شجاع	(غ ۳۶۰/ب ۸)، (غ ۳۵۸/ب ۱)، (غ ۳۵۹/ب ۷)
	توران‌شاه بن قطب‌الدین	(غ ۳۹۹/ب ۹)، (غ ۳۸۳/ب ۹)، (غ ۵۷۲/ب ۹)، (قطعه ۲۶/ب ۸۲)
	شاه شیخ ابواسحاق	(قطعه ۳۹/ب ۱۴۰)
	خواجه جلال‌الدین	(غ ۵۴۳/ب ۷)، (غ ۵۵۱/ب ۱۳)
	یحیی بن مظفر	(غ ۳۷۶/ب ۱)
	منصور بن مظفر	(غ ۴۷۲/ب ۷)، (قطعه ۱۲/ب ۴۴)
	سلطان اویس	(غ ۱۶۴/ب ۱۱)، (غ ۵۹۶/ب ۱)
	بهرام گور	(غ ۳۴۱/ب ۳)، (ساقی‌نامه/ب ۳)
	جمشید (جم)	(غ ۲۱۸/ب ۵)، (غ ۱۷۸/ب ۵)، (غ ۱۳۸/ب ۱۲)، (غ ۲۶۴/ب ۷)، (غ ۳۸۷/ب ۱۰)
	کاووس	(غ ۲۱۸/ب ۵)، (غ ۴۰۰/ب ۵)، (غ ۵۰۱/ب ۳)
	کیخسرو	(غ ۱۳۸/ب ۱۲)، (غ ۵۰۱/ب ۳)، (غ ۲۶۴/ب ۷)، (غ ۵۳۲/ب ۳)
	کیقباد	(غ ۳۸۷/ب ۱۰)، (غ ۱۷۸/ب ۵)
	سیاوش	(غ ۲۲۰/ب ۷)
	بهمن	(غ ۲۱۸/ب ۴)
	فریدون	(غ ۵۲۷/ب ۳)، (ساقی‌نامه/ب ۲)
	سلم و تور	(خلخال، ۱۳۰۶، ۲۵۹، ساقی‌نامه/ب ۱۳)
	منوچهر	(ساقی‌نامه/ب ۱۰)
	افراسیاب	(غ ۵۳۲/ب ۳)
	انوشیروان	(غ ۶۰/ب ۶)، (ساقی‌نامه/ب ۱۱)
	خسرو پرویز	(غ ۶۰/ب ۶)، (غ ۴۲/ب ۸)، (غ ۲۲۹/ب ۳)، (غ ۵۴۳/ب ۵)، (غ ۲۱۰/ب ۱)
	اسکندر	(غ ۲۵۷/ب ۱)، (غ ۳۲۷/ب ۳)، (غ ۵۲۶/ب ۴)، (غ ۳۳۹/ب ۵)، (غ ۴۰۲/ب ۴)
	دارا	(غ ۳/ب ۸)، (غ ۳۲۱/ب ۸)
	اسفندیار	(ساقی‌نامه/ب ۴)
محمود غزنوی	(غ ۱۱۰/ب ۵)، (غ ۳۰۷/ب ۳)، (غ ۴۳۶/ب ۸)	



## وزرا

جدول شماره ۶

پروتوتایپ	انواع	اشعار
وزرا	آصف	(غ ۷/۴۵)، (غ ۲۷/۱۲)، (غ ۵۰/۷)، (غ ۵۸۲/۱۴)، (غ ۲۳۸/۹)
	پیران ویسه	(خلخالی، ۱۳۰۶، ۲۵۹، ساقی‌نامه ب ۱۰)
	بوذرجمهر	(همان: ب ۱۰ و ۱۱)
	خواجه قوام‌الدین	(غ ۷/۲۷۶)، (غ ۴/۱۰)، (غ ۴۴۴/۱۱)، (غ ۴۲۶/۸)، (قطعه ۳۹ ب ۱۴۵)

**قهرمانان و اسطوره‌ها:** «زال» از قهرمانان اسطوره‌ای ایرانی، فرزند سام و پدر رستم بود که نامش در شاهنامه آمده است. رستم نام‌آورترین چهره اسطوره‌ای در شاهنامه و بتبع آن، مهمترین چهره اسطوره‌ای ادبیات فارسی است. سیامک، اولین شاهزاده ایران و دومین اسطوره ایرانی بعد از کیومرث در شاهنامه است و زو، در شاهنامه فردوسی پسر طهماسب است. پس از مرگ نوذر به دست افراسیاب، زو به پادشاهی رسید.

جدول شماره ۷

پروتوتایپ	انواع	اشعار
اسطوره‌ها و قهرمانان	زال	(ساقی‌نامه/ب ۱۲)
	رستم	(غ ۵۷۷/۵)
	سیامک	(غ ۴۶۳، ص ۵۳۰)
	زوطهماسب	(غزل ۴۶۳، ص ۵۳۰)
	پور پشنگ (افراسیاب)	(غ ۴۶۳/۷)

## عارفان و صوفیان بنام

محیطی که حافظ در آن میزیست، مجمع عالمان و عارفان بزرگی بود که از محضر برخی درسها آموخته و پندها نیوشیده بود و بدیهی است که از شخصیت‌های عرفانی که پسند خاطر او بودند، هم در شعرش یاد کند. شخصیت‌هایی چون «حسین بن منصور حلاج»، از عرفا و شعرای معروف قرن سوم هجری (۲۴۴ هـ)، «حسن بصری» از نخستین پیشکسوتان تصوف در صدر اسلام (۲۱ هـ)، «شیخ صنعان» که پیری صاحب کمال و پیشوای مردم زمانه خویش بود. او قریب پنجاه سال در کعبه اقامت داشت. حدود پنجاه بار حج کرده و در کشف اسرار معنوی به مقام کرامت رسیده بود که شرح کامل احوال او در *منطق‌الطیر* عطار ذکر شده است. و «شیخ مجدالدین بغدادی» از شاعران و عارفان ایرانی بنام سده ششم هجری و «شیخ امین‌الدین بلبانی» از عارفان و مشایخ تصوف ناحیه فارس در سده هفتم و هشتم قمری.

جدول شماره ۸

پروتوتایپ	انواع	اشعار
عارفان و صوفیان	حلاج	(غ ۲۰۹/ب ۵)، (غ ۲۰۵/ب ۸)
	حسن بصری	(خلخال، ۱۳۰۶، ص ۴۵: ملحقات ۲۸)
	شیخ صنعان	(غ ۸۰/ب ۷)

شخصیتهای رمانتیک (عشاق): «اورنگ و گلچهر، نام دو عاشق و معشوق است مانند مجنون و لیلی. مهر و وفا نیز علاوه بر مفهوم جاری آن، نام دو دلداده به همین نام نیز، هست» (یوسفی، ۱۳۸۱: ۵۲۷).

جدول شماره ۹

پروتوتایپ	انواع	اشعار
عشاق	اورنگ و گلچهر	(غ ۴۵۹/ب ۵)
	مهر و وفا	(غ ۲۶۵/ب ۴)
	شیرین و فرهاد	(غ ۲۱۸/ب ۶)، (غ ۲۷۶/ب ۳)، (غ ۵۴۳/ب ۵)
	لیلی و مجنون	(غ ۵۲۷/ب ۴)، (غ ۱۱۰/ب ۵)، (غ ۸۶/ب ۴)، (غ ۱۸۸/ب ۴)، (غ ۱۶۹/ب ۶)

شخصیتهای اجتماعی و سیاسی

پیر: بسیاری از پژوهشگران در مورد اینکه آیا حافظ، پیری داشته یا نه، دچار تردید هستند: «هرچند معلوم نیست که وی، دست ارادت پیری گرفته و در تصوّف به یکی از این طایفه نسبت درست کرده، اما سخنان وی، چنان بر مشرب این طایفه واقع شده است، که هیچ کس را از آن اتفاق نیفتاده» (جامی، ۱۳۹۰: ۶۱۲). آنگونه که از اشعار حافظ برمی آید، او دست ارادت به دامن پیری داشته است و بیشتر توجهش به «پیرِ مغان» معطوف بوده است. «پیرِ مغان اگرچه در ادبیات فارسی سابقه دارد، با این اوصاف و ابعادی که در دیوان حافظ میابیم، از بر ساخته‌های هنری حافظ است که بیهوده نباید دنبال ردّپای تاریخی او بود و به مغان زرتشتی مربوطش کرد» (خرمشاهی، ۱۳۸۹: ۹۷).

جدول شماره ۱۰

پروتوتایپ	اشعار	توضیحات
پیر و ترکیباتش	پیر (غ ۷/ب ۲)، (غ ۲۲۰/ب ۸)، (غ ۲۲۷/ب ۳)، (غ ۱۵۲/ب ۵)	فقط یک بار، برخی پیران را با صفتِ جاهل
	پیر مناجات (غ ۴۰۶/ب ۲) پیر طریقت (غ ۲۳/ب ۳) پیر خرابات (غ ۳۹۱/ب ۷)، (غ ۴۹۵/ب ۱)، (غ ۳۵/ب ۱۰) پیر دانا (غ ۶/ب ۷)، پیر سالک (غ ۳۳۳/ب ۳)	مینامد. (غ ۵۱۵/ب ۳)
	پیر می فروش (غ ۲۵۱/ب ۷)، (غ ۱۷۸/ب ۱)، (غ ۱۸۴/ب ۱۱)، (غ ۲۲۲/ب ۱)، (غ ۳۳۸/ب ۳) پیر پیمانہ کش (غ ۴۷۵/ب ۶)	

<p>پیر میخانه (غ ۳۸۳/ب ۶)، (غ ۴۸۷/ب ۲) پیر میکده (غ ۴۸۳/ب ۴) پیر دردی‌کش (غ ۲۴۴/ب ۳)                  پیر کنعانی (حضرت یعقوب) (غ ۱۰۴/ب ۱)، (غ ۵۹۳/ب ۵)                  پیرِ مغان (غزل ۱/ب ۳)، (غ ۴۹۸/ب ۷)، (غ ۴۴۹/ب ۹)، (غ ۴۴/ب ۵)، (غ ۲۴۵/ب ۵)، (غ ۱۵۸/ب ۸)، (غ ۲۰۵/ب ۴)، (غ ۲۰۶/ب ۲)، (غ ۴۲۸/ب ۲)، (غ ۴۰/ب ۱)، (غ ۱۰۴/ب ۱)</p>
---

**شیخ:** حافظ در عصری میزیست که بازار ریاکاری و تظاهر بسیار داغ بود، لذا او ظاهرپرستی و تزویر و ریای مدعیان دروغین را به باد انتقاد میگیرد. «از اینکه صوفی، مفتی، زاهد، شیخ و دیگر رجالی که نوعی مورد اعتراض حافظ قرار گیرند چه کسانی هستند، اطلاعی نداریم؛ ولی بهرحال میدانیم که این افراد نماینده بخشی از جامعه عصر حافظ هستند که حافظ رفتار و کردار آنها را با معیارهای فکری و اندیشگی خود و روشنفکران زمانش منطبق نمیبیند و زبان به اعتراض و نفی آنها می‌گشاید» (رستگار فسایی، ۱۳۸۵: ۳۰).

جدول شماره ۱۱

اشعار	پروتوتایپ
<p>شیخ پاکدامن (غ ۱۴/ب ۳) شیخ شهر (غ ۱۳۳/ب ۶) شیخ ما (غ ۱۶۵/ب ۹) شیخ گمراه (غ ۵۱۵/ب ۳) شیخ خودپسند (خلخال، ۱۳۰۶، غزل ۱۳۸)</p>	<p>شیخ</p>

**سالک:** سالک در لغت به معنای رونده است و در اصلاح «به کسی اطلاق میشود که زیر نظر شیخی کامل و راه‌دان و تحت ارشاد او طریق تصوف را طی کند، و منازل و احوال و مقامات را نسبت به حال و استعداد خود بپیماید. و این طیّ طریقت باید به قدم عشق و پیروی از تعالیم شیخی کامل باشد نه علم و تصوّرات شخصی، و از لحاظ زمان هم بسته به استعداد و گرم‌روی سالک است، سالک هرچه مستعدتر و گرم‌روتر، طیّ طریقت برایش آسانتر و زودتر خواهد بود» (گوهرین، ۱۳۸۸، ج ۶: ۲۰۴).

جدول شماره ۱۲

اشعار	پروتوتایپ
<p>(غ ۱/ب ۳)، (غ ۸۷/ب ۱)، (غ ۲۲۸/ب ۶)، (غ ۱۲۳/ب ۲)</p>	<p>سالک</p>

**عارف:** عارف در لغت به معنای دانا و شناسنده است؛ اما در اصطلاح عرفان «کسی است که حق از سرّ او گویا و خود ساکت باشد» (تهانوی، بی‌تا: ۹۹۷).

جدول شماره ۱۳

اشعار	پروتوتایپ
(غ ۱/۲۲۴ ب ۱)، (غ ۲/۱۰۲ ب ۲)، (غ ۳/۳۲۹ ب ۳)، (غ ۵/۱۴۵ ب ۵)	عارف

**ساقی:** یکی از چهره‌های همیشه محبوب و موردپسند دیوان حافظ، «ساقی» است. «ساقی در ادبیات عرفانی بر معانی متعدد اطلاق شده است: گاه کنایه از فیاض مطلق است و گاه بر ساقی کوثر اطلاق شده و به استعاره از آن مرشد کامل نیز اراده کرده‌اند» (سجادی، ۱۳۸۹: ۴۵۲).

جدول شماره ۱۴

توضیحات	اشعار	پروتوتایپ
ساقی در شعر حافظ: ۱-حق تعالی ۲-امام علی ۳-معشوق ۴-معشوق به معنای عام ۵-پیر مغان ۶-مغیچه	حق تعالی (غ ۱/۱ ب ۱)، (غ ۴/۵۹ ب ۴)، (غ ۴/۳۷ ب ۴)، (غ ۱۰/۲۲۴ ب ۱۰) امام‌علی (ع) (یوسفی، ۱۳۸۱، رباعی ۲۳) معشوق مظهر جمال حق (غ ۵/۱۷۷ ب ۵)، (غ ۴/۲۷۳ ب ۴)، (غ ۸/۳۰۴ ب ۸)، (غ ۱/۱۵۶ ب ۱)، (غ ۳/۲۰۱ ب ۳)، (غ ۳/۲۴۷ ب ۳)، (غ ۸/۴۲۷ ب ۸)، (غ ۳/۴۵۸ ب ۳)، (غ ۱/۲۱۲ ب ۱) معشوق (غ ۵/۹۳ ب ۵)، (غ ۷/۷۶ ب ۷)، (غ ۱/۷۳ ب ۱)، (غ ۱/۱۰۳ ب ۱)، (غ ۹/۱۴۵ ب ۹) پیر مغان (غ ۳/۴۶۱ ب ۳)، (غ ۲/۱۹ ب ۲) ۹، (غ ۴/۱۶۹ ب ۴) مغیچه یا صنم باده‌فروش (غ ۲/۶ ب ۲)، (غ ۱۱/۲ ب ۱۱)، (غ ۱/۱۳ ب ۱)، (غزل ۴/۱ ب ۱)، (غزل ۱/۷۲ ب ۱)، (غزل ۱/۸۶ ب ۱)، (غزل ۱/۵۲ ب ۱)، (غزل ۱۰/۴۸ ب ۱۰) ساقی به معنای واقعی (غ ۵/۱۱۹ ب ۵)، (غ ۳/۱۲۴ ب ۳)، (غ ۱/۱۵۸ ب ۱)، (غ ۲/۲۲۱ ب ۲) ۹ (غ ۴/۲۵۰ ب ۴)، (غ ۵/۲۰۲ ب ۵)، (غ ۷/۲۱۰ ب ۷)، (غ ۷/۲۲۸ ب ۷)، (غ ۱/۲۱۶ ب ۱)، (غ ۱/۱۴۴ ب ۱)، (غ ۱/۲۰۷ ب ۱)، (غ ۱/۳۰۱ ب ۱)، (غ ۶/۲۹۳ ب ۶)، (غ ۷/۳۰۸ ب ۷)، (غ ۷/۳۳۰ ب ۷)، (غ ۵/۳۳۸ ب ۵)، (غ ۱/۳۴۴ ب ۱)، (غ ۵/۳۶۲ ب ۵)، (غ ۴/۴۱۴ ب ۴)، (غ ۱/۴۷۷ ب ۱)، (غ ۱/۴۹۹ ب ۱)	ساقی

**رند:** استاد خرمشاهی، درخصوص واژه «رند» در اشعار حافظ می‌گوید: «رند» گاه فاقد هرگونه تلمیح عرفانی و فحوای مثبت است و همسنگ مردم بی‌سروپا و اوباش است و گاه هم شخصیتی چندبعدی و متناقض‌نما دارد که مظهر لابلالی‌گری و بی‌باکی و درعینحال زیرکی او نیز هست (خرمشاهی، ۱۳۸۹: ۴۰۴ و ۴۰۵). «رند» حافظ گاه مظهر انسان کامل است. «بنیاد مفهوم انسان کامل بر تأویل روایت آفرینش آدم در قرآن است که حافظ نیز مفهوم رند را بر اساس آن می‌سازد و می‌پردازد» (آشوری، ۱۳۸۱: ۳۶).

جدول شماره ۱۵

اشعار	پروتوتایپ
(غ ۲/۲۵۰ ب ۲)، (غ ۷/۲۳۴ ب ۷)، (غ ۲/۴۲۵ ب ۲)	رند
رند حافظ به دو معناست: ۱- خدای مرد وارسته با ویژگیهایی مثل: الف) عاشق و خراباتی و عافیت‌سوز (غ ۵/۲۵۷ ب ۵) ب) اهل کرم و سخاوت (غ ۲/۲۴۰ ب ۲) ج) ملامتی و بیباک (غ ۹/۲۱۹ ب ۹)، (غ ۷/۱۵۷ ب ۷) د) بلاکش و عاشق حقیقی	

(غ ۲۶۰/ب ۴) هـ) دارای فضیلت که بواسطه آن، میتوان حرص و آز را به بند کشید (غ ۳۷۸/ب ۳)، (غ ۴۲۱/ب ۱) و) خداشناس و آگاه به حقایق (غ ۱۳۶/ب ۵)، (غ ۱۵۷/ب ۷) ز) پاکباز (غ ۳۹۹/ب ۷). ۲- لأبالی (غ ۱۰/ب ۱۳)، (غ ۱۵۲/ب ۱۰)، (غ ۵۶/ب ۹)
---

**درویش و قلندر:** درویش همان صوفی مقبول حافظ یا «صوفی وارسته» است. «معنای دیگر درویش، فقیر صوفی است؛ از آنجاکه صوفیه اهل فقر به معنای مادی آن نیز بوده‌اند، صوفی و عارف و درویش کامبیش مترادفند. با این تفاوت که حافظ به صوفی نظر خوش ندارد، ولی به درویش و عارف دارد» (خرمشاهی، ۱۳۸۹: ۱۶۵). او خود مصاحب و همنشین درویشان بوده است. «سخنانش از تکلفات خالی و ابیاتی دل‌آویز و حالی ریاضت کشیده تا آنکه می از ساغر مراد چشیده و در زمان آل مظفر بوده؛ و اصلاً و مطلقاً اعتباری به زخارف دنیوی نکرده و با درویشان مصاحب و به لباس فقر ملتبس بوده» (آذر بیگدلی، ۱۳۳۷، ج ۱: ۲۷۲).

جدول شماره ۱۶

اشعار	پروتوتایپ
درویش به دو معناست: ۱- تهیدست در مقابل غنی (غ ۴۳/ب ۳)، (غ ۲۲۰/ب ۶)، (غ ۱۸۴/ب ۱۰)، (غ ۲۹۶/ب ۶)، (غ ۳۴۱/ب ۴) ۲- قلندر و صوفی (غ ۵۵۹/ب ۶)، (غ ۳۲۵/ب ۲)، (غ ۲۱۶/ب ۴)، (غ ۳۲۱/ب ۴) (غ ۸۰/ب ۸)، (غ ۲۵۷/ب ۳)، (غ ۴۰۶/ب ۶)، (غ ۵۷۲/ب ۴)	درویش و قلندر

**مطرب:** از شخصیت‌های مقبول و محبوب اشعار حافظ است.

جدول شماره ۱۷

اشعار	پروتوتایپ
(غ ۲۴۴/ب ۱)، (غ ۳۷/ب ۷)، (غ ۶/ب ۶)، (غ ۴/ب ۱)، (غ ۹۹/ب ۹)، (غ ۹۵/ب ۸)، (غ ۲۶/ب ۹)، (غ ۴۸/ب ۹)، (غ ۲۱۹/ب ۴)، (غ ۱۸۷/ب ۳)، (غ ۲۵۹/ب ۷)، (غ ۱۹۰/ب ۹)، (غ ۴۴۸/ب ۴)، (غ ۴۰۰/ب ۲)	مطرب

**زاهد و عابد:** در شعر حافظ، «زاهد» نقطه مقابل «رند» است و بهمین سبب او را مغرور و طبیب نامحرم میخواند. «زاهد از لحاظ قشریگری و ظاهرپرستی و خرقة پوشی و بعضی صفات دیگر، با شخصیت منفی دیگری در شعر حافظ، همسان و هم‌درد و آن همانا صوفی است که او نیز پشمینه پوش تندخو و بری از عشق و بیبهره از معرفت است و دامگاه او خانقاه است» (خرمشاهی، ۱۳۸۹: ۳۶۵).

کاشانی عابدان متظاهر را «متشبه مبطل» مینامد: «متشبه مبطل به عابد کسی باشد از جمله مراتبه که نظر او در عبادت خود بر قبول خلق بود، و در دل او ایمان به ثبوت آخرت نباشد، و تا اطلاع غیر بر طاعت خود نبیند بدان قیام نمینماید و او را نیز معتبد خوانند» (کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۱۶).

جدول شماره ۱۸

پروتوتایپ	اشعار
زاهد	(غ ۵۹۳/ب ۲) زاهدان عصر خویش را ظاهرپرست (غ ۳۵/ب ۱)، (غ ۷۳/ب ۷ و ۸) خودبین (غ ۱۳۶/ب ۲)، (غ ۳۱۵/ب ۷) و خام‌طمع (غ ۲۱۲/ب ۷) و گاهی هم به طعنه آنان را عالی‌مقام (غ ۹/ب ۲) و پاکیزه‌سرشت (غ ۶۴/ب ۱) مینامد.
عابد	(غ ۵۱۵/ب ۴)

**صوفی:** صوفیان از منظر او به دو دسته تقسیم میشوند: ۱- صوفیان وارسته، ۲- صوفیان متظاهر. ۱- صوفیان وارسته حافظ دل‌هایی چون آینه دارند که غل‌وغشی در آن راه ندارد، لذا دل‌هاشان تجلیگاه اسرار غیب است. ۲- صوفیان متظاهر، همان‌هایی هستند که وابسته به مادیاتند و آیینۀ دل‌هاشان را زنگارِ تعلقات دنیایی پوشانده است؛ اینان برآستی از درک حقایق معنوی بی‌بهره‌اند. «از شعر خواجه برمی‌آید او چنانکه با سایر اهل ریا و تزویر و سالوس، با صوفیان وقت‌پرست نیز، بر سر سازگاری نبوده، و از زرق و تزویر صوفیان ازرق‌پوش حکایتها داشته، و آنچه در این زمینه گفته بر سر زبانها بوده و هست» (ریاحی، ۱۳۹۵: ۲۳).

جدول شماره ۱۹

پروتوتایپ	اشعار
صوفی	۱- صوفیان وارسته (غ ۳۸۳/ب ۴)، (خلخالی، ۱۳۰۶، ۲۳ غزل ۴۱) ۲- صوفیان متظاهر (غ ۳۶۳/ب ۸)، (غ ۲۱۹/ب ۱)، (غل ۴۲۴/ب ۱) (غ ۳۴۳/ب ۹)، (غ ۲۲۰/ب ۱)، (غ ۵۶۸/ب ۲)

**فقیه:** حافظ به فقه‌های عصر خود هم نظر مثبت ندارد و آنان را نیز به باد انتقاد می‌گیرد. «آنچه را که فقیه خشک و عالم موشکاف با خشونت و کندی باید به آن برسد، صوفی با پر عشق و مددِ ذوق و نیروی شور و شوق می‌خواهد از آن بگذرد و بالاتر رود و آنچه اندر وهم ناید، آن شود. چون مذهب صوفی، عشق و مایهٔ او ذوق و احساس است، کلامش رقیق و لطیف و مؤثر میشود» (غنی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۲۹۲).

جدول شماره ۲۰

پروتوتایپ	اشعار
فقیه	(غ ۵۹/ب ۳)، (غ ۴۷۴/ب ۱۰)

**محتسب:** محتسب هم از شخصیت‌های منفور دیوان حافظ است. محمد معین معتقد است مقصود حافظ از «محتسب» امیر مبارزالدین محمد است که به تشویق فقها در امر به معروف و نهی از منکر، راه افراط پیمود و میخانه‌ها را بست و می‌خواران را بسختی تنبیه نمود؛ سماع را موقوف داشت و بقدری در این موضوع افراط ورزید که ظرفای شیراز او را «پادشاه محتسب» لقب دادند (معین، ۱۳۱۹: ۵۶).

جدول شماره ۲۱

اشعار	پروتوتایپ
محتسب را فاسق (خلخالی، ۱۳۰۶: ۶۷ غزل ۱۲۸) رند و لابلالی (غ ۱۵۲/ب ۱۰) مزور (غ ۱۷۱/ب ۱۰) و گاه قدرناشناس (غ ۲۱۲/ب ۸) میدانند.	محتسب

**واعظ:** «واعظ» یکی دیگر از شخصیت‌های منفور شعر حافظ است. ترکیباتی نظیر «واعظ شحنه‌شناس»، «واعظ شهر»، «واعظ ما» را که به طنز و طعنه بکار میبرد، مؤید نظر منفی او در مورد این تیپ و شخصیت بخصوص اجتماعی است.

جدول شماره ۲۲

اشعار	پروتوتایپ
(غ ۱۳۳/ب ۷)، (غ ۲۴/ب ۱)، (غ ۲۹۶/ب ۱۰)، (غ ۴۲/ب ۵)، (غ ۲۶۲/ب ۱)، (غ ۲۴۰/ب ۱)، (غ ۱۰۴/ب ۲)، (غ ۲۳۲/ب ۴)، (غ ۴۱۸/ب ۳)	واعظ

شحنه: از دیگر تیپهای مطرح با کاربرد معنایی چندگانه، «شحنه» است.

جدول شماره ۲۳

اشعار	پروتوتایپ
شحنه (غ ۸۴/ب ۳) ایهام به دو معنا دارد: الف) عقل ب) داروغه (غ ۷۸/ب ۹)، (غ ۱۳۸/ب ۵) شحنه‌النَّجف (امام علی) (غ ۳۶۳/ب ۱۰)	شحنه

### پرندگان و چهاربایان

از دیگر شخصیت‌های مهم دیوان حافظ، مرغان و پرندگان هستند که حضوری پررنگ و فعال در شعر او دارند. هما، هدهد، عنقا (سیمرغ)، شاهین، کبک، کبوتر، تذرو، بلبل و زاغ پرندگانی هستند که مورد توجه حافظ بوده‌اند و گاه از معنای نمادین برخوردارند. «بطور کلی میتوان نماد را به دو نوع تقسیم کرد: ۱- نمادهای قراردادی و عمومی مانند کبوتر که نماد صلح است؛ ۲- نمادهای خصوصی یا شخصی که میتواند چند معنا پیدا کرده و فهم آن دشوار شود» (صلاحی مقدم، ۱۳۸۹). برخی از این پرندگان مانند سیمرغ و هما، شخصیت اسطوره‌ای دارند. پرندگان در اشعار حافظ -در غیر معنای واقعی خود- نماد شخصیت‌های متفاوتی نظیر «خود شاعر»، «عاشق»، «معشوق»، «سالک»، «راهنما و هادی»، «اولیای الهی» و «انسان کامل» هستند.

جدول شماره ۲۴

اشعار	انواع	پروتوتایپ
۱- مرغ بهشتی (روح) (غ ۴۳/ب ۱) ۲- مرغ سحر (شاعر) (غ ۲۸۶/ب ۵)، (غ ۳۰۰/ب ۲) مرغ دانا (غ ۱۲/ب ۴) ۳- مرغ زیرک (شاعر و سالک) (غ ۲۱۷/ب ۴)، (غ ۵۶۵/ب ۴) ۴) (غ ۵۰۰/ب ۹)، (غ ۵۶۵/ب ۴) ۴- مرغ چمن (بلبل) (غ ۷۶/ب ۱)، (غ ۲۹۲/ب ۹)	مرغ	

<p>۱- در معنای اصلی (غ ۵۴/ب ۳)، (غزل ۳/ب ۴)، (غ ۱۰ ب ۱)، (غ ۴۵/ب ۱)، (غ ۲۱۴/ب ۱)، (غ ۵۴۴/ب ۱)                  ۲- خودِ شاعر (غ ۳۹۹/ب ۵)، (غ ۳۸/ب ۲)                  ۳- عاشق (غ ۲۳/ب ۱۰)، (غ ۸۰/ب ۱)، (غ ۸۱/ب ۴)، (غزل ۱۳۴/ب ۱)                  ۴- منظور از بلبل چمن، سالک است. (سعادت‌پرور، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۶۲-۳۶۱)                  (غ ۱۰۲/ب ۳)، (غ ۲۶۹/ب ۷)</p>	<p>بلبل (عندلیب)</p>	<p>پرندگان</p>
<p>تذرو خوش‌خرام (غ ۴۱۸/ب ۲) استعاره از معشوق                  تذرو طرفه (غ ۴۵۵/ب ۶) جذبات الهی</p>	<p>تذرو</p>	
<p>(غ ۱۶۵/ب ۸)، (غ ۲۶۱/ب ۵)، (غ ۱۶۳/ب ۴)</p>	<p>زاغ و زغن</p>	
<p>۱- خودِ شاعر است (خلخالی، ۱۳۰۶: ۱۹۰ غزل ۳۷۰)                  ۲- تشبیه قضا و قدر به شاهین (غ ۲۷۱/ب ۹)                  ۳- تشبیه دیده دل به شاهین تیزپرواز (سعادت‌پرور، ۱۳۸۲، ج ۸: ۲۶۰)                  (غ ۴۵۵/ب ۶)</p>	<p>شاهین (باز- عقاب)</p>	
<p>۱- تشبیه شاعر به طوطی (غ ۱۲/ب ۲)، (غ ۱۳۴/ب ۲) (غ ۳۰۰/ب ۸)، (غ ۲۶۹/ب ۷) (ب)                  ۲- کنایه از سالک بی‌نصیب (غ ۱۶۳/ب ۴)                  ۳- پرنده (غ ۲۰۷/ب ۳)                  ۴- اولیای الهی (سعادت‌پرور، ۱۳۸۲، ج ۵: ۳۲۸)                  (غ ۲۸۸/ب ۱)، (غ ۳۲۰/ب ۷)</p>	<p>طوطی</p>	
<p>۱- مقامِ احدیت و لا اسمی و لا رسمی (سعادت‌پرور، ۱۳۸۲، ج ۸: ۲۱)، (غ ۴۲۱/ب ۲)، (غ ۵۳۶/ب ۵)                  ۲- انسان کامل یا پیر و راهنما (غ ۳۳۳/ب ۶)</p>	<p>عنقا (سیمرغ)</p>	
<p>۱- کبک خوش‌خرام، سالک است. (سعادت‌پرور، ۱۳۸۲/۴: ۲۹۲)، (غ ۲۱۹/ب ۷)                  ۲- کبک خرامان (غ ۲۷۱/ب ۹)</p>	<p>کبک</p>	
<p>۱- تشبیه دل به کبوتر (غ ۹۳/ب ۲)، (غ ۲۳۳/ب ۶)، (غ ۵۰۶/ب ۵)                  ۲- جذبه‌های ضعیف (خلخالی، ۱۳۰۶: ۱۹۰ غزل ۳۷۰)</p>	<p>کبوتر</p>	



<p>۱-استاد کامل که راهنمایی مرید را بعهده دارد (سعادت- پرور، ۱۳۸۲، ج ۸: ۲۱) (غ ۴۲۱/ب ۲) ۲-تشبیه باد صبا در خوش‌خبری به هدهد (غ ۴۸/ب ۱) (غ ۱۵۸/ب ۵)، (غ ۲۵۴/ب ۱)</p>	<p>هدهد (مرغ سلیمان)</p>
<p>۱-هما یا همان پرنده سعادت (غ ۲۶۶/ب ۱)، (غ ۵۵۳/ب ۲) خود شاعر (غ ۵۷۰/ب ۷) ۲-کنایه از معشوق (سعادت‌پرور، ۱۳۸۲، ج ۳: ۳۵۳) (غ ۱۶۳/ب ۴) ۳-مربیان کامل (سعادت‌پرور، ۱۳۸۲، ج ۸: ۱۴۱) (غ ۴۳۸/ب ۷)</p>	<p>هما</p>

چهارپایان: در میان چهارپایان ذکر شده در اشعار حافظ، که از شخصیت‌های کم‌بسامد در دیوان حافظ هستند، در پاره‌ای موارد آهو نماد معشوق، گرگ نماد فلک، و اسب نماد باد صباست.

جدول شماره ۲۵

اشعار	انواع	پروتوتایپ
<p>۱-آهو (غ ۴۰۳/ب ۵)، (غ ۱۴۲/ب ۳)، (غ ۱۳۷/ب ۵) ۲-معشوق (غ ۵۱۰/ب ۶)، (غ ۱۲/ب ۱)</p>	<p>آهو (غزال)</p>	چهارپایان
<p>گرگ پیر استعاره از فلک (ساقی‌نامه/ب ۱۴)</p>	<p>گرگ</p>	
<p>(غ ۱۰۰/ب ۱۱)</p>	<p>شیر</p>	
<p>(غ ۱۰۰/ب ۱۱)</p>	<p>روباه</p>	
<p>۱-تشبیه باد صبا به اسب (غ ۴۵/ب ۷) ۲-معنای اصلی (غ ۴۴۳/ب ۴)</p>	<p>اسب</p>	

درختان و گلها: درختان، گلها و گیاهان از شخصیت‌های پررنگ دیوان حافظند. درختان و گلها در اشعار حافظ، گاهی در معنای اصلی و واقعی خود بکار میروند و گاهی معنایی نمادین دارند. «در رمزپردازیها گیاه، درخت و نباتات نماد باروری، برکت، شفابخشی، رستاخیز، حیات دوباره و زندگی هستند» (زمردی، ۱۳۸۱). سرو نماد آزادگی است و حافظ بارها به این موضوع اشاره میکند. «شاعران سرو را آزاد نامند بسبب اینکه از بار میوه آزاد است؛ یا به این دلیل که از برگ‌ریزی خزان، آزاد و همیشه سبز و خرم است؛ یا اینکه چون همیشه سرسبز و تازه است و پژمرده و بی‌برگ نمیشود، آن را سرو آزاد نام نهاده‌اند» (رنگچی، ۱۳۷۲: ۲۰۱).

یکی از شیوه‌های شاعران حوزه ادبیات فارسی از دیرباز تا کنون، توصیف اندام و تشبیه اعضا و جوارح بدن به گلها و گیاهان است. در غزل‌های حافظ نیز، بعنوان یکی از شاعران غزل‌سرای بزرگ قرن هشتم، بسیار به موضوع ارگونومی یا اندامگرایی برمیخوریم که تبیین مقصود شاعر را برای خوانندگان جذابتر و اثرگذارتر مینماید. «اگر به جوهره

اشعار غنایی، خصوصاً غزل توجه کنیم، اهمیت و نقش ارگونومی و تأثیر آن در شکل‌گیری این قالب و محتوای شعری آشکار خواهد شد. بی‌تردید حجم زیادی از مفاهیم تصاویر و مضامین شعرهای غنایی از صورت و اندام معشوق -چه در غزل عارفانه چه در غزل عاشقانه- پرداخته میشود و کمتر غزلی بدون این مصالح و موارد میتوان یافت» (اسپرهم، ۱۳۸۳). «در غزل حافظ نیز سمبلیهای طبیعی فراوانی بچشم میخورد که نمایانگر گیاهواره بودن معشوق در نگاه اوست؛ مانند سنبل و بنفشه که نمادی از زلف معشوق؛ نرگس، چشم او؛ غنچه، دهانش؛ سیب، زرخندانش و...» (ایرانی و منصوری، ۱۳۹۰) است.

جدول شماره ۲۶

پروتوتایپ	انواع	اشعار
درختان	بید	۱-خودش را به بید تشبیه کرده (غ ۳۳۹/ب ۲) ۲- تشبیه دل به صنوبر (غ ۷۲/ب ۵)
	سدره	(غ ۸۳/ب ۳)
	سرو	۱-در معنای اصلی (غ ۱۳/ب ۸)، (غ ۱۹۰/ب ۸)، (غ ۱۰/ب ۲) ۲-معشوق (غ ۴/ب ۳)، (غ ۱۹۰/ب ۸)، (غ ۱۰/ب ۲)، (غ ۲۹/ب ۳) (غ ۱۳/ب ۸)
	شمشاد	۱- در معنای اصلی خود (غ ۷۲/ب ۴) ۲-شمشاد خانه پرور و شاه شمشاد قدان، معشوق است. (غ ۴۴/ب ۱)، (غ ۷۲/ب ۴)، (غ ۴۴۴/ب ۵)
	صنوبر	۱--تشبیه دل به صنوبر (غ ۷۲/ب ۵) ۲- معنای اصلی (غ ۴۴/ب ۱)، (غ ۴۷۴/ب ۶)
	سدره و طوبی	(غ ۵۸۳/ب ۶)، (غ ۸۳/ب ۳)
گلها	نخل (نخیل)	(غ ۳۷۳/ب ۶)
	گل (سوری)	۱-گل سرخ (غ ۷۶/ب ۲)، (غ ۲۳۴/ب ۶) ۲-معشوق (غ ۱۲/ب ۳) ۳-هم گل و هم معشوق (غ ۱۰/ب ۲)، (غ ۲۳/ب ۱۰)
	بنفشه	۱-در معنای اصلی خود (غ ۹۹/ب ۶)، (غ ۱۴۱/ب ۱)، (غ ۱۷۵/ب ۴) ۲-تشبیه کُرکِ اطراف لبِ معشوق به بنفشه (غ ۴۶۵/ب ۷) و زلف معشوق
	سمن (یاسمن)	(غ ۹۹/ب ۶)، (غ ۱۵۸/ب ۳)، (غ ۴۴۴/ب ۱۰)، (غ ۵۶۱/ب ۵)
	نرگس	۱- معنای اصلی (غ ۹۹/ب ۳)، (غ ۳۶۲/ب ۳) ۲-استعاره از چشم معشوق (غ ۲۵۸/ب ۹)

لاله	(غ ۶۷/ب ۴)، (غ ۲۹/ب ۹)، (غ ۱۶۷/ب ۳)، (غ ۲۳۸/ب ۳)، (غ ۳۱۴/ب ۴)
شقایق	(غ ۳۶۵/ب ۴)
سوسن	(غ ۲۵۴/ب ۴)، (غ ۵۴/ب ۶)
نسرین	(غ ۱۸/ب ۶)
ارغوان	(غ ۲۹۵/ب ۲)، (غ ۹۹/ب ۲)

### نتیجه‌گیری

خلق شخصیتها در اشعار حافظ صرفاً ناشی از قوه تخیل و تصور او نیست؛ چراکه بیشتر شخصیتهای مطرح دیوان حافظ نظیر پیامبران و امامان معصوم -علیهم‌السلام- شخصیتهای عرفانی، پادشاهان و وزرا، قهرمانان و اسطوره‌ها، شخصیتهای رمانتیک، شخصیتهای سیاسی و اجتماعی، چهارپایان، پرندگان، درختان و گلها تیپهای واقعی و رئال هستند. شاید علت اصلی طرح برخی شخصیتها در اشعار حافظ، شرایط خاص سیاسی و اجتماعی عصر زندگی او و تعاملاتی بوده که با آن افراد خاص داشته و ممکن است خلق برخی شخصیتها ناشی از همزادپنداری با آنان بوده باشد. از میان این شخصیتها برخی تیپها ممدوح وی هستند، برخی در زندگی او تأثیرگذارند، برخی الگوی او هستند، و بعضی مورد انتقاد او واقع شده‌اند.

طبق نظریه پروتوتایپ، میتوان دسته‌بندی جدیدی از داستانها و قهرمانان و اشخاص دیوان حافظ ترتیب داد که عبارتند از: ۱- پیامبران و جباران عصر پیامبران، ۲- امامان معصوم (علیهم‌السلام)، ۳- فرشتگان، ۴- بزرگان دولتی و دیوانی (پادشاهان و وزرا)، ۵- اسطوره‌ها و قهرمانان، ۶- عارفان، ۷- شخصیتهای رمانتیک، ۸- شخصیتهای سیاسی و اجتماعی، ۹- چهارپایان، ۱۰- پرندگان و ۱۱- گلها و گیاهان.

از میان شخصیتها و تیپهای انسانی، پیامبران و امامان معصوم -علیهم‌السلام- پادشاهان و وزرا، شخصیتهای عرفانی، اسطوره‌ها و شخصیتهای رمانتیک و شخصیتهای سیاسی و حتی فرشتگان در معنای اصلی خود بکار رفته‌اند؛ اما برخی تیپها نظیر ساقی، رند، صوفی و غیره از ایهام یا چندگانگی معنایی برخوردارند.

برخی چهارپایان و پرندگان و درختان و گلها نیز، در شعر او چندگانگی معنایی دارند و در موارد بسیاری، منظور شاعر از پرندگانی نظیر هما، عنقا، هدهد، شاهین و تذرو خود شاعر، معشوق، سالک طریق و یا راهنما و هادی و انسان کامل یا مظهر تجلی حق است. چهارپایی مانند آهو در شعر حافظ، نماد معشوق و نیز گرگ، نماد فلک است. درختانی نظیر بید، سرو و شمشاد و گلهایی همچون گل سرخ و نرگس و بنفشه و نظایر آن، به‌غیر از معنای اصلی خود، معانی نمادین هم دارند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

## REFERENCES

The Holy Quran

- Ashuri, Dariush. (2002). *Mysticism and Randy in Hafez's poetry*. Third edition. Tehran: Publication Center.
- Azar Bigdeli, Lotfali Beyk. (1958). *Azar Fire Temple*. Tehran: Book Publishing Institute Publications.
- Daghighian, Shirindokht. (1992). *The origin of personality in fiction*. Tehran: Publisher: Author.
- Dekhoda, Ali-Akbar. (1998). *the language of the name*. Chap Chesham. Tehran: The publications of the Daneshgah of Tehran.
- Ghani, Qasim. (2004). *History of Hafez era*. Introduction by Allameh Qazvini. Tehran: Zavvar.
- Goharin, Seyyed Sadegh. (2009). *Explanation of Sufi Terms (ten volumes)*. Tehran: Zavvar.
- Hafiz, Shamsuddin Mohammad. (2008). *Divan of Hafez*. Edited by Mohammad Ghodsi, in contrast to the four authentic versions of Qazvini, Khanlari, Sayeh and Nisari. By the efforts of Hassan Zolfaghari and Abolfazl Ali Mohammadi. Tehran: Cheshmeh.
- Irani, Mohammad and Mansouri, Zahra. (2011). "Artistic Functions of Flowers and Plants in Hafez Poetry, a New Style in Creating Themes", *Quarterly Journal of Persian Poetry (Bahar Adab)*, 4 (1), Pp. 331 - 339.
- Jami, Nooruddin Abdul Rahman. (2011). *Introduction, correction and comments by Mahmoud Abedi*. Sixth edition (second speech). Tehran: Sokhan.
- Kashani, Izz al-Din Mahmoud. (1993). *Mesbah al-Hedaya and Meftah al-Kefaya*. Edited by Jalaluddin Homayi. Second and fourth editions. Tehran: Homa.
- Khalkhali, Seyyed Abdul Rahim. (1927). *Divan of Hafez*. Tehran: To the capital of Kaveh Library.
- Khorramshahi, Bahauddin. (2010). *Hafiznameh*. Nineteenth edition. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Moein, Mohammad. (1940). *Hafiz Shirin*. Sokhan. Tehran: Parvin.
- Rangchi, Gholam Hossein. (1993). *Flowers and plants in Persian poetic literature*, Tehran: Publications of the Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Rastegar Fasaee, Mansour. (2006). *Hafiz and find and hide life*. Tehran: Sokhan.
- Riyahi, Mohammad Amin. (2016). *Golgasht in Hafez's poetry and thought*. second edition. Tehran: Scientific publications.
- Rozatian, Seyedeh Maryam and Ghafouri, Afsaneh. (2012). "The hidden layers of Hafez's conscience". *Research in mystical literature*. 6 (23). pp. 58-35.
- Sa'adatParvar, Ali. (2003). *Jamal Aftab and Aftab Her Nazar, a commentary on Hafez's divan taken from Allameh Tabatabai's moral meetings*. Volume One, Third Edition. Tehran: Revival Publishing Company.
- Sajjadi, Seyed Ja'far. (2010). *Dictionary of mystical terms and interpretations*. Ninth edition. Tehran: Tahoori.

- Salehi Moghaddam, Soheila. (2010). "Symbol and symbolic archetype in the spiritual Masnavi", Rumi's research quarterly, 4 (9), pp. 1-19.
- Sarvar Molaei, Mohammad. (1989). The manifestation of myth in Hafez's poetry. Tehran: Toos.
- Sparham, Davood. (2004). "Organom in the poetry of Hafez and Saadi". *Journal of Humanities Al-Zahra University*, 13th and 14th years, No. 48 and 49, pp. 1-19.
- Tahanavi, Ali Ibn Ali. (N.D). The Discoverer of the Terms of Arts and Sciences, translated by George Zeinani and Abdullah Khaledi, researcher Ali Farid Dahrouj, Beirut: Lebanese School of Publishers.
- Yousefi, Hossein Ali. (2002). Divan of Hafez based on the Qazvini and Khanlari versions with a comparison of valid versions and descriptions. Tehran: Publication of the times.
- Zomorodi, Homeira. (2002). "Allegorical and mythological symbols of plants and trees in Masnavi", *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, University of Tehran, Summer and Fall 2002, pp. 129-181.

#### فهرست منابع فارسی

- قرآن کریم.  
آذر بیگدلی، لطفعلی بیک (۱۳۳۷) آتشکده آذر، تهران: نشر کتاب.  
آشوری، داریوش (۱۳۸۱) عرفان و رندی در شعر حافظ. چاپ سوم. تهران: نشر مرکز.  
اسپرهم، داوود (۱۳۸۳) «ارگانومی در شعر حافظ و سعدی». فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال سیزدهم و چهاردهم، شماره ۴۸ و ۴۹، صص ۱۹-۱.   
ایرانی، محمد و منصور، زهرا (۱۳۹۰)، «کارکردهای هنری گل و گیاه در شعر حافظ، سبکی جدید در مضمون آفرینی»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، (۱) ۴، صص ۳۳۱ تا ۳۳۹.  
تهانوی، علی بن علی (بی تا)، کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، ترجمه جورج زینانی و عبدالله خالدی، محقق علی فرید دحروج، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.  
جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۹۰) نوحات الانس من حضرات القدس. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی. چاپ ششم (دوم سخن). تهران: سخن.  
حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۷) دیوان حافظ. تصحیح محمد قدسی، با مقابله چهار نسخه معتبر قزوینی، خانلری، سایه و نیساری. به کوشش حسن ذوالفقاری و ابوالفضل علی محمدی. تهران: چشمه.  
خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۹) حافظنامه. چاپ نوزدهم. تهران: علمی و فرهنگی.  
خلخال، سید عبدالرحیم (۱۳۰۶ هـ ش) دیوان حافظ. به سرمایه کتابخانه کاوه.  
دقیقیان، شیرین‌دخت (۱۳۷۱) منشأ شخصیت در ادبیات داستانی. ناشر: نویسنده.  
دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) لغتنامه. چاپ ششم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۵) حافظ و پیدا و پنهان زندگی. تهران: سخن.

- رنگچی، غلامحسین (۱۳۷۲) گل و گیاه در ادبیات منظوم فارسی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- روضاتیان، سیده مریم و غفوری، افسانه (۱۳۹۱) «لایه‌های پنهان ضمیر حافظ». پژوهش‌های ادب عرفانی. (۳) ۶، صص ۳۵-۵۸.
- ریاحی، محمدمبین (۱۳۹۵) گلگشت در شعر و اندیشه حافظ. چاپ دوم. تهران: علمی.
- زمردی، حمیرا (۱۳۸۱) «نمادهای تمثیلی و اساطیری گیاه و درخت در مثنوی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تابستان و پاییز ۱۳۸۱، صص ۱۲۹ تا ۱۸۱.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۸۹) فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. چاپ نهم. تهران: طهوری.
- سرور مولایی، محمد (۱۳۶۸) تجلی اسطوره در شعر حافظ. تهران: توس.
- سعادت‌پرور، علی (۱۳۸۲) جمال آفتاب و آفتاب هر نظر، شرحی بر دیوان حافظ برگرفته از جلسات اخلاقی علامه طباطبایی. جلد اول، چاپ سوم. تهران: شرکت انتشارات احیاء کتاب.
- صلاحی مقدم، سهیلا (۱۳۸۹) «نماد و کهن‌الگوی نمادین در مثنوی معنوی»، فصلنامه تخصصی مولوی‌پژوهی، (۹) ۴، صص ۱۹-۱.
- غنی، قاسم (۱۳۸۳) تاریخ عصر حافظ. مقدمه از علامه قزوینی. تهران: زوار.
- کاشانی، عزالدین محمود (۱۳۷۲) مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه. به تصحیح جلال‌الدین همایی. چاپ دوم و چهارم. تهران: هما.
- گوهرین، سید صادق (۱۳۸۸) شرح اصطلاحات تصوف (ده مجلد). تهران: زوار.
- معین، محمد (۱۳۱۹) حافظ شیرین‌سخن. تهران: بنگاه مطبوعاتی پروین.
- یوسفی، حسین‌علی (۱۳۸۱) دیوان حافظ بر اساس نسخه قزوینی و خانلری با مقابله نسخه‌ها و شرح‌های معتبر. تهران: روزگار.

#### معرفی نویسندگان

رؤیا احمد امرجی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(Email: [royaamaraji@iausr.ac.ir](mailto:royaamaraji@iausr.ac.ir))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

#### Introducing the authors

**Roya Ahmad Amarji:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yadegar-e- Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

(Email: [royaamaraji@iausr.ac.ir](mailto:royaamaraji@iausr.ac.ir))